

مکانیزم و مصادیق بازنگری در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (ICC)

سهیلا یوسفی^۱ - مهدی مومنی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۳

چکیده:

بازنگری اسناد بین‌المللی، تجلی پویایی حقوق است. متداول‌ترین روش، دستیابی به اجماع حداکثری اعضاست. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی چگونگی بازنگری را بیان می‌کند. در کنفرانس کامپالا ۲۰۱۰، موارد مهمی مطرح شد. کنفرانس نیویورک ۲۰۱۷، تلاش دولت‌های عضو ICC در کنفرانس کامپالا را تا حد زیادی تکمیل کرد. سوال اصلی اینکه راهکار مطرح در اساسنامه تا چه اندازه از کارآیی برخوردار است و تا چه میزان از تمام ظرفیت‌ها استفاده شده است؟ بنظر می‌رسد؛ در راهکارهای ارائه شده، از تمام ظرفیت‌های اساسنامه، از جمله ظرفیت شورای امنیت، توسط دول متعاقد استفاده نشده است. از همین رو ارزیابی عملکرد دیوان، با انتقاد مواجه است. پژوهش حاضر با تکیه بر دکترین حقوقی، اسناد بین‌المللی (UN, ICJ, ICC) به نقد و تحلیل مبانی بازنگری و رویه عملی و اسناد سازمان‌های بین‌المللی پرداخته است.

واژگان کلیدی: بازنگری، اساسنامه، دیوان بین‌المللی کیفری، اجلاس کامپالا، اجلاس نیویورک

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ - دانشجوی دکتری، حقوق (بین الملل عمومی)، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران
yo.so58@yahoo.com

^۲ - استادیار و عضو هیئت علمی، کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران: نویسنده مسئول
drmmomeni.law@gmail.com

مقدمه

در اثر ویژگی پویایی روابط حقوقی، اساسنامه دیوان نیز مانند سایر نهادها با گذشت زمان نیاز به بازنگری و اصلاح دارد. تا بتواند مناسب با نیازها و شرایط بین‌المللی به اهداف خود دست یابد. بازنگری اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری پس از گذشت ۷ سال از تاریخ لازم‌الاجرا شدن، با درخواست هر یک از دولت‌های عضو، قابل بررسی است. (Bassiouni, Schabas, 2016: 511-512) اولین کنفرانس بازنگری در سال 2010 در کامپالا پایتخت اوگاندا برگزار شد. (Schabas, 2010: 1174) مقرر شد کنفرانس بعدی بازنگری در سال 2017 برگزار شود. (Padmanabhan, 2010: 4) به همین منظور، شانزدهمین اجلاس مجمع دول عضو دیوان کیفری بین‌المللی (4-14 دسامبر 2017) در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک تشکیل شد. (<http://www.icc-cpi>)

تجربه تشکیل دادگاه‌های موردی یا موقتی، هرچند آثار مثبتی در پی داشت اما مانع از تداوم جنایات بین‌المللی نشد. (Carter & etal, 2016: 67) و ضرورت ایجاد یک دادگاه بین‌المللی کارآمد و دائمی را بیش از پیش نمایان ساخت. دیوان بین‌المللی کیفری^۱ با سابقه چند دهه تلاش در سال ۱۹۹۸ در رم ایتالیا با اعلام رضایت بخش عمده‌ای از دولت‌ها تشکیل شد.

هدف اساسی دیوان برقراری صلح، امنیت و عدالت و پیشگیری از وقوع جنایات بین‌المللی است. اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، شامل موضوعات متنوع و در حقیقت یک معاهده چند جانبه حاوی متون بسیار غنی حقوق بین‌المللی است. (Lee, 1999: 27) اساسنامه متضمن قواعد آمره و رعایت مفاد آن برای اعضا و حتی کل جامعه بین‌المللی الزام آور است. (Bosco, 2014: 1-9) حال سوال اصلی این است که راهکار پیش‌بینی شده در خصوص بازنگری اساسنامه دیوان تا چه میزان در جهت نیل به اهداف یاد شده کارآمد است؟

۱- مبانی نظری بازنگری

اساسی‌ترین مبنای بازنگری قوانین داخلی و نیز اسناد بین‌المللی، لزوم روزآمد بودن و پاسخگوئی به نیازهای ناشی از تغییرات اجتناب‌ناپذیر در گستره زمان و مقتضای پویایی و کارآمدی آنهاست. با توجه به اشتراک مبنا در خصوص بازنگری در حقوق ملی و بین‌المللی، ابتدا به صورت نمونه مکانیزم بازنگری در قوانین اساسی ایران و آمریکا و سپس اسناد بین‌المللی

1- ICC- International Criminal Court

نظیر منشور ملل متحد، اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری ICJ و در ادامه اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری ICC را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم.

۱-۱- لزوم بازنگری در قوانین ملی و اسناد بین‌المللی

۱-۱-۱- قوانین ملی (مطالعه موردی ایران و آمریکا)

قانون اساسی سازمان حکومت، چگونگی حکمرانی، حدود اختیارات سازمانها و نیز حقوق و تکالیف افراد را مشخص می‌سازد (راوندی، ۱۳۵۷: ۴). این واقعیت که هیچ قانون بشری نمی‌تواند در برابر تحولات جامعه مقاومت کند قابل انکار نیست. به قول کارل ریمون پوپر؛ تنها چیزی که باید سرزنش شود خود بشر است. شیوه‌های تحول‌پذیری در نظام‌های حقوقی گوناگون متفاوت است. برای تغییر و تحول قوانین ابتدا باید معایب و نیازها، شناسایی و سپس با توجه به نظام‌های حقوقی، آن تغییراتی که منطبق با خواست جامعه باشد، انجام داد.

البته طبع قواعد حقوقی با این سیر دائمی موافقت چندانی ندارد. ثبات حقوق، ریشه در طبیعت و موضوع حقوق دارد. اما از سوی دیگر ثبات حقوق نیز با تکامل فنی و ماهوی آن منافات ندارد. زیرا اصلاحات، برای حفظ مبانی گذشته ضرورت دارد. ایجاد تعادل بین نیروی اجتماعی و طبیعت آرام و سنگین این نظام، می‌بایست با دقت و توجه کامل صورت گیرد. حکمت، اخلاق و آرمان‌های فرهنگی و سیاسی و مذهب در کنار تغییر شرایط و نیازهای مادی با هم در حرکت حقوق موثر است و باید در این محاسبه منظور شود. (کاتوزیان، ۱۳۶۵: ۵۳۸-۵۴۳) از اینرو بازنگری و تکامل قواعد حقوقی مستلزم توجه به عوامل مختلفی بویژه عدالت است. (دل وکیو، ۱۳۸۰: ۲۱۳) قانون اساسی در طول زمان و با توجه به نیازهای جامعه محتاج تغییر و بازنگری است. بازنگری در قوانین اساسی کشورهای مختلف به دو گونه انعطاف‌پذیر و انعطاف ناپذیر تقسیم می‌شود. (عباسی، ۱۳۸۶: ۱۰۹) آسیب‌پذیری قوانین اساسی انعطاف‌پذیر در مقابل خواست قوای حاکم بالاست اما نوع انعطاف ناپذیر آن، تغییرات را تحت شرایط و فرایندی خاص قرار می‌دهد. گرچه ضریب امنیت و ثبات در این نوع قوانین بالاست اما این سختی که گاه تغییرات را به رویای دست نیافتنی برای نسل‌ها تبدیل می‌کند، ضمن نقض حق اعمال سرنوشت شهروندان ممکن است موجب بروز انقلاب و کودتا شود. از این رو انعطاف‌پذیری قانون اساسی نباید نسل فعلی را گرفتار نظریات کهنه و مرده نسل قبل سازد و به همان اندازه نیز نباید آن چنان انعطاف‌پذیر باشد که خود را گرفتار احساسات زود گذر ملی سازد. (حمیدیان، ۱۳۸۹: ۲۹)

واقعیت اجتناب ناپذیر بودن بازنگری، موجب شده راه حل میانه، برای رسیدن به عدالت و حفظ قوانین از گزند پیشامدها، برگزیده شود.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (سال ۱۳۵۸)، شامل دو بخش غیرقابل تجدید نظر شامل؛ اسلامی بودن نظام و ابتدای کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوریت و ولایت امر و امامت امت، دین و مذهب رسمی کشور و اداره امور کشور با اتکا به آرا عمومی و بخش قابل تجدید نظر (شامل سایر موارد) است. تصویب قانون اساسی در ایران به شیوه تلفیقی و مضاعف (خبرگان- رفراندوم) انجام گرفت. (صفار، ۱۳۸۳: ۶) با گذشت سالها از تصویب آن با توجه به نیازها و تجربیات، بازخوانی مجددش دور از انتظار نبود. با این حال شرایط تجدید نظر و بازنگری در آن پیش بینی نشده بود. پس از گذشت ۱۰ سال با توجه به بروز نیازهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و عدم هماهنگی با تحولات زمانی کشور، در سال ۱۳۶۸ بازنگری در قانون اساسی که نمود اصلی آن تمرکز در قدرت سیاسی است، انجام شد. امروزه نیز با توجه به گذشت زمان زیاد از اجرای قانون اساسی ۱۳۶۸، نیاز به تغییر و بازنگری بنا بر شرایط روز، بیش از پیش احساس می‌شود.

قانون اساسی ایالات متحده آمریکا (منشور حقوق ایالات متحده آمریکا)^۱ مصوب ۱۷۸۷ یکی از قدیمی‌ترین قوانین اساسی و دارای ثبات و انسجام فراوان و به عنوان یک میراث ملی در میان مردم آمریکا شناخته می‌شود. که تحت موارد: آزادی بیان، اندیشه و تجمع^۲، آزادی نگهداری و حمل سلاح^۳، حریم خصوصی^۴، حقوق قضایی^۵ (متمم‌های پنجم تا هشتم)، رفاه اجتماعی، آموزش و بهداشت^۶ تصویب شد.

تاکنون این قانون شاهد تغییرات و اصلاحاتی بوده است (Horwitz, 2009: 1-4) از ۱۷۸۹ تا ۲۰۱۱، ۲۷ مرتبه اصلاح شده است. (Rodgers, 2011: 1-11) قانون اساسی ایالات متحده انعطاف پذیر است. همین موضوع در قدرت ماندگاری این سند نقش بسزایی داشته است. (بجورنلوند، ۱۳۸۳: ۱۲۹) چهار روش برای اصلاح و تغییر در قانون اساسی آمریکا وجود دارد:

- 1 - United States Bill Of Rights
- 2 - Freedom of Speech , Thought And Assembly
- 3 - Freedom To Hold And Carry Weapons
- 4 - Privacy
- 5 - Legal Rights
- 6 - Social Welfare , Education And Health

۱- تصویب پیشنهاد اصلاح، توسط دو سوم اعضای کنگره ایالات متحده و برای تصویب نهایی به مجالس ایالتی ارسال می‌گردد. بعد از تأیید سه چهارم مجالس ایالتی، آن پیشنهاد به عنوان اصلاحیه جدید به قانون اساسی افزوده می‌شود. از ۲۷ اصلاحیه ۲۶ اصلاحیه به این روش انجام شده است. ۲- پس از تصویب پیشنهاد اصلاحیه توسط دو سوم نمایندگان کنگره، این پیشنهاد به کنوانسیون‌های ملی ایالت‌ها فرستاده می‌شود و با تصویب سه چهارم ایالت‌ها، جنبه قانونی به خود می‌گیرد. یک اصلاحیه از ۲۷ اصلاحیه به این روش انجام شده است. ۳ و ۴- ابتدا پیشنهاد تصویب اصلاحیه قانون اساسی از سوی کنوانسیون‌های ملی به کنگره داده می‌شود و در صورت تصویب کنگره با دو سوم آراء، برای تصویب نهایی یا به مجالس قانونگذاری ایالت‌ها ارسال می‌شود و یا اینکه در اختیار کنوانسیون‌های ملی قرار می‌گیرد. اما به هر حال در هر دو حالت، سه چهارم مجالس قانونگذاری ایالت‌ها و یا کنوانسیون‌های ملی باید این پیشنهاد را تصویب کنند تا جنبه قانونی به خود بگیرد. تاکنون به این روش اصلاحیه‌ای انجام نشده است. سه موضوع در قانون اساسی آمریکا تغییرناپذیر است: تفکیک قوا؛ نظام انتخاباتی؛ نظام فدرالی. (Schwartz, 1992: 20)

۱-۲- اسناد بین‌المللی

اسناد بین‌المللی نیز از قاعده لزوم بازنگری مستثنی نیستند. چه بسا به دلیل تعدد و تنوع تابعان خود، تحت شرایطی و در فواصل زمانی کمتری، بیشتر محتاج تحول، بازنگری و اصلاح باشند. (Bedjaoui, 1991:149)

امانوئل کانت، در رساله صلح پایدار خود، اصلاحات در حقوق بین‌الملل را تنها معطوف به یک حوزه فلسفی ساده و بی‌جان نمی‌داند. بلکه در بسیاری از زمینه‌ها راه‌حل‌های عملی نیز ارائه می‌دهد. مستنبط از عقیده وی، شرایط پذیرش عضویت و استمرار آن در سازمان ملل متحد در روزگار ما باید اصلاح شود. همچنین در مواد ۴ و ۶ منشور ملل متحد باید تجدید نظر شود. حقوق معاهدات باید تغییرات مهمی را از سر بگذراند و حقوق روابط دیپلماتیک باید اصلاح شود. در واقع الگوی سنتی حقوق بین‌الملل در مقابل واقعیت‌ها و تغییرات سیاسی و فرهنگی جهان ما که سرشار از بصیرت و روشن بینی است باید اصلاح شود. (تسون، ۱۳۸۸: ۸۰) نکته حایز اهمیت بازنگری در اسناد بین‌المللی در برگیرنده قواعد آمره بین‌المللی است. آیا اینجا نیز بازنگری ممکن است؟

عمده قواعد بین‌المللی توسط اسناد و معاهدات بین‌المللی شکل گرفته (Pelc, 2016:87-9)

اینها مانند قوانین داخلی و گاهی حتی برتر از آن اجرا می‌شود (Aust, 2010: 91) قاعده آمره، موضوع ماده ۵۳ کنوانسیون حقوق معاهدات، در رأس همه قواعد و لازم‌الاجرا برای تمامی دولتها است (Kolb, 2017: 1-7) زیرا بیانگر منفعت مشترک کل جامعه جهانی است و هر قاعده دیگری که مغایر با آنها باشد بی‌اعتبار محسوب می‌شود.

قواعد آمره از اهمیت، قدرت، ثبات برخوردارند، اما پویایی نظام حقوقی انکارناپذیر است. تغییر و تحول و اصلاح را حتی در قواعد آمره نیز امکان پذیر می‌سازد. تغییر در قواعد آمره به موجب قاعده بعدی حقوق بین‌الملل با همان ویژگی است (Orakhelashvili, 2008: 127) ابهام کنوانسیون وین در خصوص نحوه تغییر و اصلاح قاعده آمره عرصه‌ای را برای اظهارنظر حقوقدانان بین‌المللی، فراهم آورده است. عده‌ای براین عقیده‌اند که اگر رویه اعتراضی گروهی از کشورها، مورد اعتراض سایر کشورها قرار نگیرد، بلکه مورد استفاده آنها نیز واقع شود، در این حالت، یک قاعده عرفی عام جدید جایگزین قاعده آمره سابق خواهد شد. در خصوص توسل به معاهدات عام به منظور اصلاح و تغییر قواعد آمره نیز عده‌ای معتقدند در عمل می‌توان با انعقاد معاهدات عام جدید، قاعده آمره سابق را از اثر انداخت. زیرا وفاق عام جامعه بین‌المللی، مبنای قاعده آمره پیشین بوده است. البته بایستی از نظر موضوعی با قاعده قبلی، وحدت داشته باشد. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۴: ۱۹۲) بنظر می‌رسد، شیوه اخیر با مبانی حقوقی سازگاری بیشتری دارد. زیرا بصورت روشن تری بیانگر رضایت، اراده و اجماع حداکثری دولتهاست.

۱-۲- قابلیت و آثار بازنگری در اسناد بین‌المللی

اساسنامه سازمان‌های بین‌المللی با توجه به تغییرات غیر قابل اجتناب در روابط بین‌المللی، نیاز به بازنگری و اصلاح دارند. این امر با حضور و رضایت دولت‌های عضو و بر اساس آئینی که بطور معمول در همان اساسنامه، پیش‌بینی گردیده، انجام می‌شود. در اینجا برای بررسی و کشف مبانی بازنگری و چگونگی آن ابتدا به عنوان نمونه، مراحل و آیین بازنگری اسناد تاسیسی UN ، ICJ و سپس به بررسی و تحلیل موضوع در دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) می‌پردازیم.

۱-۲-۱- بازنگری در منشور سازمان ملل متحد UN

منشور ملل متحد که برخی آن را در هیأت قانون اساسی جامعه جهانی می‌بینند، در کنفرانس سانفرانسیسکو در سال ۱۹۴۵ در قالب یک معاهده بین‌المللی به تصویب ۵۱ دولت رسید. فصل هجدهم منشور ملل متحد مواد ۱۰۸ و ۱۰۹ حاوی مقررات، نحوه و مراحل انجام بازنگری و

اصلاحات است. این سند در تضاد با مقررات وین در خصوص حقوق معاهدات نیست. از بدو تأسیس ملل متحد تا کنون تنها سه بار و در قالب چهار مورد اصلاح و بازنگری در منشور بعمل آمده است. ۳۱ اوت ۱۹۶۵ افزایش اعضای شورای امنیت از ۱۱ به ۱۵ عضو و افزایش اعضای شورای اقتصادی اجتماعی از ۱۸ به ۲۷ عضو، ۱۲ ژوئن ۱۹۶۸ اصلاح ماده ۱۰۹، ۲۴ سپتامبر ۱۹۷۳ افزایش اعضای شورای اقتصادی اجتماعی از ۲۷ به ۵۴ عضو. (Gupta, 2006: 53 - 54)

نخستین گام تصویب اصلاحات، برگزاری کنفرانس بین‌المللی، بازنگری و اصلاح منشور ملل متحد، با رای دو سوم اعضای مجمع عمومی و رای ۹ عضو شورای امنیت است. این کنفرانس طبق بند اول ماده ۱۰۹ منشور، متشکل از اعضای ملل متحد است که دو سوم اعضای مجمع عمومی و اکثریت مطلق اعضای شورای امنیت، تصمیم بر برگزاری آن گرفته و با اختصاص یک حق رای برای هر یک از اعضای شرکت کننده، در ابتدا پیشنهادات اصلاح و تغییراتی که قابلیت بررسی و در نهایت رأی گیری داشته باشد، بایستی توسط دو سوم اعضای شرکت کننده در کنفرانس مذکور پیشنهاد شده (Fassbender, 2009: 136-140) پس از مذاکره این تغییرات و اصلاحات پیشنهادی بایستی به تصویب دو سوم اعضای مجمع عمومی ملل متحد - که شامل همه اعضای دائم شورای امنیت باشد - برسد، تا لازم الاجرا گردد. تصمیمات اتخاذ شده برای کلیه کشورهای عضو، حتی آنها که اصلاحات را تصویب نکرده باشند نیز لازم الاجراست. (Kelsen, 1950: 123, 124) باید گفت هر چند این مکانیزم بسیار دقیق و روشن است اما در عمل، شاهد اصلاحات بسیار کم و جزئی در منشور هستیم. دلایلی برای این موضوع بیان گردیده که برخی از آنها به مرور زمان، قابلیت برطرف شدن دارد و متأسفانه تعدادی به دلایل سیاسی و بحث قدیمی تعصب بیش از اندازه دولتها بر حفظ تسلط و حاکمیت خود کماکان بدون راه حل باقی مانده است. بی شک یکی از موانع اصلی پیش روی اصلاح و بازنگری در منشور ملل متحد، تمایزی است که ماده ۱۰۸ و بند دوم ماده ۱۰۹ منشور ملل متحد برای اعضای دائم شورای امنیت، مبنی بر شرط تصویب هر گونه اصلاحات و بازنگری توسط تمامی ۵ عضو دائم شورای امنیت برای لازم الاجرا شدن آنها قائل شده است. از توابع و آثار سوء این شرط، امتیاز حق و تومتعلق به اعضای دائم شورای امنیت است که هیچگاه مورد بازنگری قرار نگرفته است. (Müller, 2001: 153) شیوه اصلاحات و بازنگری در منشور ملل متحد که دارای اهمیتی وصف ناشدنی است باید بطور رسمی و از دریچه همان مواد ۱۰۸ و ۱۰۹ منشور صورت پذیرد. (Kamil, Bartolo, 2000: 85- 90) علیرغم این موانع درونی و بیرونی بر سر راه

بازنگری و اصلاح با نگاه خوش بینانه‌ای می‌توان به آینده امیدوار بود. اصلاح و بازنگری مورد توجه و درخواست بخش عمده‌ای از اعضای سازمان ملل متحد قرار گرفته و می‌تواند موجبات پویایی و روزآمد بودن منشور را بوجود آورد.

۱-۲-۲- بازنگری در اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری ICJ^۱

قضات دیوان بین‌المللی دادگستری به عنوان رکن قضایی سازمان ملل متحد، بصورت مشترک توسط مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل متحد برای مدت ۵ سال انتخاب می‌شوند. وظیفه دیوان رسیدگی و حل و فصل دعاوی بین کشورهای عضو سازمان ملل متحد (بدون قید و شرط) و کشورهای غیر عضو سازمان ملل متحد (به شرط پذیرش اساسنامه دیوان) می‌باشد. آرا صادره از دیوان اعتبار امر مختومه را داشته، غیر قابل استیناف است و برای طرفین دعوی لازم الاجراست. دیوان علاوه بر حل و فصل اختلافات، نقش بسیار مهمی در توسعه و تدوین حقوق بین‌الملل دارد. (Rosenne, 2006: 208) اساسنامه دیوان جز لاینفک منشور ملل متحد است. مواد ۶۹ و ۷۰ اساسنامه دیوان، نحوه بازنگری و اصلاح را بیان می‌کند. (Muller & etal, 1997: 187) اصلاحات این اساسنامه به همان طریقی به عمل می‌آید که برای اصلاحات منشور ملل متحد مقرر است ولی مشروط و منوط به تصمیماتی خواهد بود که مجمع عمومی بنا به توصیه شورای امنیت برای شرکت دولتهایی اتخاذ می‌نماید که این اساسنامه را امضا کرده‌اند ولی عضو سازمان ملل متحد نیستند (ماده ۶۹ اساسنامه) همچنین دیوان می‌تواند اصلاحاتی را که به تشخیص او لازم است در این اساسنامه به عمل آید، به وسیله ابلاغ کتبی دبیر کل سازمان ملل متحد پیشنهاد نماید، تا طبق مقررات ماده ۶۹ مورد رسیدگی قرار گیرد. (ماده ۷۰ اساسنامه)^۲

متن اولیه اساسنامه دیوان با تغییراتی، از اساسنامه دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری PCIJ^۳ اقتباس شده است. (Rosenne, 1979: 278) همانگونه که مشاهده می‌شود ساز و کار بازنگری در اساسنامه دیوان مانند ساز و کار آن در منشور سازمان ملل متحد است. (Singh, 19-89: 345) دیوان می‌تواند اصلاحات لازم در اساسنامه را به تشخیص خود از طریق دبیر کل به مجمع

1 - International Court Of Justice

2 - The International Court Of Justice Statute Article 69, Article 70

3 - Permanent International Court Of Justice

عمومی سازمان ملل متحد پیشنهاد دهد.^۱ (Zimmermann & etal, 2006: 1470-1490) و الگو برداری بسیاری از دادگاه‌های بین‌المللی نظیر دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها، دادگاه‌های رسیدگی به اختلافات تجاری سازمان تجارت جهانی و غیره از اساسنامه دیوان، اهمیت بیش از پیش آن را نمایان می‌سازد. در صورت عدم تمایل دولتها و قضات دیوان به انجام تغییراتی مناسب با پیشرفتهای روز، خطر رکود و عقب ماندن دیوان و به تبع آن سایر دادگاه‌ها را تهدید می‌کند. (newcombe, Fawcett, 1996: 276) و (Amr, 2003: 45) به نظر می‌رسد پویایی حقوق و تکرر روابط بین‌المللی ایجاب می‌کنند، از جمله اموری که ضرورت بازنگری دارد، گستره صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری و آثار حقوقی مترتب بر آرای صادره از آن است.

۱-۲-۳- بازنگری در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری ICC

دیوان بین‌المللی کیفری یک سیستم کیفری فراملی با شرایط و محدوده فراگیری خاص خود می‌باشد. دولتها با پیوستن به آن بعنوان مکمل نظام کیفری داخلی خویش، اجرا و در شرایطی نظارت و برتری آن را پذیرفته‌اند. همانگونه که در سیستم‌های کیفری داخلی مرسوم، نیاز به درجه‌ای از انعطاف پذیری و فرصتی برای تغییر وجود دارد، در حقوق بین‌المللی کیفری نیز که از جمله در اساسنامه دیوان تجلی پیدا می‌کند، شرایطی برای چگونگی بازنگری و اصلاح پیش بینی شده است. بر این اساس، هفت سال پس از لازم الاجرا شدن اساسنامه در خصوص اصلاحیه‌هایی که مربوط به تشکیلات دیوان بشرح مندرج در ماده ۱۲۲ اساسنامه است، هر یک از دولت‌های عضو می‌تواند اصلاحات پیشنهادی خود را از طرف دبیر کل سازمان ملل، در جلسه مجمع دولت‌های عضو که پس از سه ماه از اطلاع رسانی پیشنهاد توسط دبیر کل، به همه دولت‌های عضو، تشکیل می‌گردد، مطرح کند. (Schabas, 2011: 393-395) بدین ترتیب مرجع اصلاح و بازنگری اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، مجمع دول عضو است. این مجمع، راسا و یا در صورت لزوم از طریق برگزاری کنفرانس با حضور اعضا و موافقت دو سوم آنها، اقدام می‌نماید. در این صورت یکسال پس از دریافت هفت هشتم سند تصویب دولت‌های عضو، لازم الاجرا

۱- براساس گزارش‌های دکتر یاسر ضیایی با عنوان: مناسبات میان دیوان بین‌المللی دادگستری و سازمان ملل متحد در طرح ۲۰۰۵ مجمع عمومی برای اصلاح سازمان ملل متحد موضوع دیوان نادیده گرفته شد. برای همین کمیته حل و فصل مخصصات دولتی اصلاحاتی را پیشنهاد کرده است: با افزایش تعداد اعضای شورای امنیت تعداد قضات دیوان نیز افزایش یابند، دیوان صلاحیت طرح دعوا به صورت ابتدایی داشته باشد، قضات زن افزایش یابند، به سازمان‌ها غیردولتی امکان طرفیت دعوا داده شود.

می‌گردد. (Novak, 2015: 31) مخالفان اصلاحات مصوب، می‌توانند حداکثر تا یکسال پس از لازم‌الاجرا شدن اساسنامه با دادن اعلامیه، کناره‌گیری نمایند که بلافاصله نافذ خواهد بود. (Bassiouni, 2013: 639) همچنین طبق ماده ۱۲۳ اساسنامه دبیر کل و یا هر شخص انتخابی دیگر از سوی مجمع دولت‌های عضو، هر هفت سال یکبار اقدام به دعوت دولت‌های عضو برای تشکیل یک کنفرانس بازنگری می‌نماید. در این کنفرانس دولت‌ها می‌توانند بدون محدودیت راجع به تمام مسایل مربوط به دیوان بحث کرده یا پیشنهاد اصلاحات دهند. در این صورت بقیه مراحل بشرح مذکور در ماده ۱۲۱ مجری خواهد بود. (Kittichaisaree, 2001: 36)

اولین کنفرانس بازنگری اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، پس از لازم‌الاجرا شدن آن در سال ۲۰۰۲، کنفرانس بازنگری کامپالا^۱ اجلاس ویژه‌ای بود که به منظور بررسی اصلاحیه‌های پیشنهادی و ارزیابی دستاوردها و چالش‌های دیوان از ۳۱ می تا ۱۱ ژوئن ۲۰۱۰ تشکیل و در جهت تقویت اساسنامه با شرکت حدود ۴۵۰۰ نماینده از سوی دولت‌های عضو، دولت‌های ناظر، نمایندگان سازمان‌های بین‌المللی و بین‌الدولی، سازمان‌های غیردولتی و شخصیت‌های برجسته حقوقی و بین‌المللی برگزار گردید. (Weller & et al, 2015: 539) از آنجا که دولت اوگاندا اولین دولتی است که بر اساس ماده ۱۳ اساسنامه پرونده جنایت ارتكابی در درگیری مسلحانه داخلی خود را به دیوان بین‌المللی کیفری ارجاع داده است، این اجلاس در شهر کامپالا پایتخت این کشور برگزار گردید. (پور علیخانی، ۱۳۹۲: ۱۱۸-۱۲۴)

ضرورت بازنگری در اساسنامه دیوان را می‌توان در؛ جلب مشارکت و همکاری بین‌المللی جهت مشروعیت بخشی و اعتبار بین‌المللی دیوان و از بین بردن موانع سیاسی و حقوقی بر سر راه تکامل این نهاد و رفع ابهامات جهت جلوگیری از سوء استفاده‌های احتمالی از آن، از جمله تعارض صلاحیت دیوان با حاکمیت ملی دولت‌ها و از بین بردن فضای حاکم مبتنی بر منطق حفظ ابر قدرتها که اهرم فشاری بر استقلال دیوان است، دانست. از سوی دیگر ایجاد بازه زمانی مشخص، موجب می‌شود تا کشورها تحقیقات لازم را انجام داده، همچنین در صورت تمایل به عضویت در دیوان، هماهنگی بیشتر و مطلوب‌تری با ایجاد تغییرات لازم در قوانین خود بوجود آورند.

1 - Kampala Uganda Review Conference Of The Rome Statute , 31 May – 11 June 2010

موضوعات مطرح در کنفرانس کامپالا به دو دسته قابل تقسیم‌اند. (-: Herik, Stahn, 2012) 404-406) دسته اول، مسائل مرتبط با مفاد اساسنامه دیوان شامل؛ تعریف جنایت تجاوز و تعیین شروط اعمال صلاحیت دیوان در مورد آن، بررسی امکان حذف ماده ۱۲۴ اساسنامه و اصلاح ماده ۸ و دسته دوم تحت عنوان ارزیابی دستاوردهای دیوان کیفری بین‌المللی، شامل مسائلی همچون اصل صلاحیت تکمیلی دیوان، حمایت دیوان از قربانیان و جوامع آسیب دیده از جنایات بین‌المللی، ایجاد صلح و عدالت در سطح جهان و بررسی نحوه همکاری دولتها با دیوان. در این اجلاس و دو اعلامیه؛ اعلامیه همکاری و اعلامیه کامپالا نیز تصویب شد. در بند ۱۲ اعلامیه کامپالا آمده؛ از این پس روز ۱۷ ژوئیه هر سال که روز تصویب اساسنامه دیوان در سال ۱۹۹۸ است، به عنوان روز عدالت کیفری بین‌المللی^۱ تعیین می‌شود. اصلاحیه‌ها با تصویب سی دولت لازم الاجرا می‌شود و دولت‌های عضوی که صلاحیت دیوان را نپذیرند و اعلامیه‌ای مبنی بر عدم پذیرش صادر کنند، ملتزم به اصلاحیه‌ها نخواهند بود. اصلاحیه‌ها پس از گذشت یکسال از پذیرش، با تصویب هر دولتی برای آن دولت، لازم الاجرا است. (-: Cassese & etal, 20, 13:138)

کنفرانس بازنگری کامپالا با صدور ۶ قطعنامه و ۲ اعلامیه به کار خود پایان داد. بررسی و تصویب بسیاری از موارد نیز به کنفرانس سال ۲۰۱۷ موکول گردید. مندرجات اساسنامه در مورد کیفیت بازنگری و تغییرات آن را باید نشانگر درجه‌ای از پویایی و اصلاح پذیری آن به حساب آورد.

۲- عملکردها

مهمترین اصلاحات پیشنهادی و تغییراتی که در اساسنامه طی کنفرانس بازنگری^۲ ایجاد گردید، عبارتند از: تعریف جنایت تجاوز، تعیین شروط اعمال صلاحیت دیوان در مورد آن، بررسی امکان حذف ماده ۱۲۴ اساسنامه، اصلاح ماده ۸ اساسنامه رم، بررسی مسائلی همچون اصل صلاحیت تکمیلی دیوان، حمایت دیوان از قربانیان و جوامع آسیب دیده از جنایات بین‌المللی، ایجاد صلح و عدالت در سطح جهان و بررسی نحوه همکاری دولتها در جهت ارزیابی عملکرد دیوان است.

1 - International Criminal Justice Day

2 - Amendment Conference

۲-۱- اصلاحات ۲۰۱۰ (اجلاس کامپالا)

به موجب ماده ۵ اساسنامه، دیوان به خطیرترین جنایات بین‌المللی که ارتکاب آنها کل جامعه بین‌المللی را دچار آسیب کرده شامل: جنایت نسل‌زدایی^۱، جنایت علیه بشریت^۲، جنایات جنگی^۳ و تجاوز^۴ می‌پردازد. از این میان، جنایت تجاوز برای اولین بار در منشور نورنبرگ در بند الف ماده ۶، بعنوان جنایت علیه صلح در یک سند بین‌المللی تعریف شد. پس از آن منشور سازمان ملل مهمترین هدف خود را جلوگیری از جنگ تجاوزکارانه و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی قرار داد و موضوع تعریف جرم تجاوز و احراز آن از جمله مسایل بحث بر انگیز این سازمان شد. (Barriga , Kreß ,2012:5-8)

۲-۱-۱- تعریف جنایت بین‌المللی تجاوز

با تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی هر چند جنایت تجاوز در صلاحیت این دیوان قرار گرفت اما اختلاف‌ها در خصوص تعریف و مرجع صالح برای تشخیص آن در زمان برگزاری کنفرانس رم به نتیجه نرسید. از این‌رو مقرر شد دیوان کیفری بین‌المللی زمانی قادر به اعمال صلاحیت بر جرم تجاوز خواهد بود که مقررات مربوط به تعریف تجاوز و شروطی که بر اساس آن دیوان کیفری بین‌المللی می‌تواند اعمال صلاحیت کند، بر اساس مقررات مواد ۱۲۱ و ۱۲۳ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی تصویب شده باشد. (Dinstein ,2001: 131 -132)

در خصوص اعمال صلاحیت دیوان نسبت به جنایت تجاوز دو مسئله مهم مطرح شد: اول، مشمول صلاحیت دیوان قرار گرفتن این جنایت. دوم، نقش شورای امنیت سازمان ملل در مورد اعمال صلاحیت دیوان. اینکه آیا منوط به احراز آن از سوی شورای امنیت یا ارگان دیگری است و یا اینکه دیوان می‌تواند مستقلاً عمل کند؟ (Stefan, Kreß,2012:5-8) قطعنامه تصویبی اجلاس کامپالا در خصوص جنایت تجاوز، شامل دو بخش عمده؛ تحت عناوین ماده ۸ مکرر (تعریف جنایت تجاوز) و ماده ۱۵ مکرر^۵ (نحوه اعمال صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی) است.

1 - The Crime Of Genocide

2 - Crimes Against Humanity

3 - War Crimes

4 - The Crimes Of Aggression

5 - The International Criminal Court Statute Article 15 – 15 bis

در جریان کنفرانس کامپالا یک ماده ۱۵ نیز در خصوص اعمال صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری نسبت به جنایت تجاوز در موارد ارجاع پرونده از سوی شورای امنیت به تصویب رسید. (Sayapin, 2014: 61-62) ماده ۸ مکرر اساسنامه متشکل از دو پاراگراف است که بند اول، جنایت تجاوز را تعریف کرده و در بند دوم مصادیق آن را بر می‌شمارد. (Grzebyk, 2013: 199)

مطابق این تعریف، عمل تجاوز همیشه منتسب به یک نهاد جمعی مانند دولت است. از جمله ایراداتی که به آن گرفته شده اینکه: استفاده از عبارت - نیروهای نظامی نامنظم - مبهم بوده و اینکه چه سطحی از مسئولیت دولت را در بر می‌گیرد. همچنین بر نقش دولت متمرکز است. به نظر می‌رسد که تنها بازیگران دولتی، مسئول اعمال تجاوز هستند. این تعریف مانعی برای افراد و سازمان‌های تروریستی و بطور کلی شخصیت‌هایی غیر از دولت برای انجام جنایات بین‌المللی بوجود نخواهد آورد. این مورد باید اصلاح شود تا در بر دارنده یک ارتباط بین عمل دولت و رفتار فردی مرتکب، شود. بر اساس پیشنهاد اخیر کارگروه ویژه در این ارتباط، با اثبات اینکه فرد با قدرت تصمیم‌گیری سیاسی یا نظامی برای برنامه ریزی، آماده سازی و ابتکار یا اجرای عمل تجاوز مسئول است، ایجاد می‌شود. همچنین در خصوص اعمال صلاحیت دیوان، کنفرانس توافق کرد که صرفنظر از عضویت و یا عدم عضویت یک دولت، وضعیت مربوط به ارتکاب تجاوز بتواند طبق فصل هفتم منشور ملل متحد از طریق شورای امنیت به دیوان بین‌المللی کیفری ارجاع شود. (شیایزری، ۴۱۰: ۱۳۸۳-۴۱۴) کنفرانس بازنگری اساسنامه دیوان، به دادستان دیوان اجازه داد تا در غیاب احراز وضعیت از سوی شورای امنیت، تحقیق را به ابتکار و صلاحدید خود یا بر اساس ارجاع کشوری با اجازه بخش مقدماتی دیوان شروع نماید.

۲-۱-۲ - اصلاح ماده ۱۲۴ اساسنامه

از جمله دلایل مهم، جهت تشکیل کنفرانس بازنگری، بررسی چگونگی حذف ماده ۱۲۴ اساسنامه دیوان است. این ماده از نظر کارشناسان یک حق شرط موقتی است که طبق آن، رسیدگی به جنایات جنگی اتباع دولتهای عضو برای یک دوره ۷ ساله توسط دیوان مستثنی می‌شود. (Fitzmaurice & etal, 2010: 325 – 326)

دلایل موافقین حذف عبارت است از اینکه : ۱- مفاد ماده ۱۲۴ اساسنامه بر موقتی بودن این ماده دلالت دارد، ۲- ابقای این ماده کمک به تداوم بی‌کیفرمانی است. این امر با اهداف و اصول بنیادین اساسنامه مغایرت دارد. وجود این ماده سبب می‌شود طیف وسیعی از مرتکبان

این جنایات جنگی در صورت استفاده کشور متبوعشان از امتیاز ماده ۱۲۴، از مجازات مصون بمانند، ۴- از آغاز به کار دیوان تاکنون تنها دو کشور عضو فرانسه و کلمبیا از این ماده استفاده کرده‌اند. فرانسه در سال ۲۰۰۸ و قبل از اتمام موعد ۷ سال از اعلامیه خود اعراض کرد. همچنین دولت کلمبیا در اول نوامبر ۲۰۰۹ موعد هفت ساله‌اش بسر آمد، ۵- این ماده مانع دسترسی قربانیان جنایات جنگی به عدالت کیفری و ناقض حقوق بزه دیدگان است. مخالفین حذف این ماده نیز معتقد بودند: ۱- حفظ تمامیت اساسنامه مستلزم ابقای این ماده است، ۲- ابقای این ماده وسیله‌ای برای جهان شمول‌تر کردن اساسنامه و ترغیب کشورهای غیر عضو برای پیوستن به دیوان است، ۳- حذف ماده ۱۲۴ موجب تبعیض در حق دولتهای غیر عضو خواهان عضویت می‌گردد. زیرا دولت‌های عضو فعلی در زمان تصویب اساسنامه دیوان از وجود چنین مقرره‌ای بهره‌مند بودند. (Tabak, 2009:1069) بدین ترتیب ماده ۱۲۴ اساسنامه علیرغم مخالفت‌های فراوان از سوی مجامع مدنی و حتی مخالفت‌های شدید برخی دولتها در کنفرانس رم، متأسفانه با کوشش‌های کشور ژاپن و طبق قطعنامه RC/Res ماندگار گردید. (<http://www.icc-cpi>)

۲-۱-۳- اصلاح ماده ۸ اساسنامه

اساسنامه دیوان به نقض جدی ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو می‌پردازد. دولت بلژیک پیشنهاد خود را برای اصلاح ماده ۸ اساسنامه دیوان؛ اضافه شدن سه بند دیگر به بند مذکور در زمینه تسری ممنوعیت کاربرد برخی سلاح‌های ممنوعه احصا شده برای مخاصمات مسلحانه بین‌المللی به مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی در ماه مارس سال ۲۰۱۰ میلادی به کنفرانس بازنگری ارائه داد. بسته پیشنهادی بلژیک بدون هیچ جرح و تعدیلی طی قطعنامه ۵ RC/Res (Ibid) و با اجماع به تصویب رسید. با این تدبیر ممنوعیت کاربرد برخی سلاح‌های ممنوعه احصا شده برای مخاصمات مسلحانه بین‌المللی به مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی در موارد زیر تسری پیدا کرده است. (Pocar & etal, 2013: 218)

- ۱- به کارگیری سلاح‌های سمی شده یا مسموم کننده ۲- کاربرد سلاح‌های حاوی گازهای خفه کننده سمی و دیگر گازهای مشابه و تمامی سلاح‌های حاوی مایعات مواد یا ادوات مشابه
- ۳- به کارگیری گلوله پخش شونده در بدن انسان. (Schmitt & etal, 2011:340) هدف این پیشنهاد حفاظت بیشتر شهروندان و نیروهای درگیر در جنگ‌های مسلحانه غیر بین‌المللی و هماهنگی بیشتر با عرف حقوق بین‌المللی بشردوستانه است. البته دولتی که عضو این اساسنامه می‌شود تا مدت هفت سال پس از لازم الاجرا شدن این اساسنامه در مورد آن دولت، می‌تواند

اعلام کند که صلاحیت دیوان را نسبت به آن دسته از جرائم مذکور در ماده ۸ هنگامی که اتباع آن دولت جرمی مرتکب شده‌اند یا در قلمرو آن دولت جرمی ارتکاب یافته است نمی‌پذیرد، این اعلامیه در هر زمانی قابل باز پس‌گیری است.

علاوه بر موارد فوق، موضوعات دیگری نیز بررسی شد. عمده این موضوعات حول مسایلی از قبیل اصل صلاحیت تکمیلی دیوان، تاثیر اساسنامه رم بر قربانیان و جوامع آسیب دیده، رابطه صلح و عدالت و همکاری با دولتها بود.

در زمان تأسیس دیوان، این سؤال مطرح بود که تعارض صلاحیت^۱ بین‌المللی کیفری و محاکم ملی به چه نحوی می‌بایست حل شود؟ در جریان تدوین اساسنامه، اصل تکمیلی بودن صلاحیت دیوان مورد پذیرش قرار گرفت. این اصل در جریان مذاکرات مقدماتی چندان روشن نبود. به موجب این اصل بشرح مقدمه و مواد ۱ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ اساسنامه، محاکم ملی مسئولیت اصلی در تحقیق و تعقیب جنایات بین‌المللی موضوع صلاحیت دیوان را دارا هستند و در صورت عدم تمایل یا توانایی و یا نبود دستگاه قضایی مستقل و کارآمد، دیوان بین‌المللی کیفری مبادرت به اعمال صلاحیت خواهد کرد. طبق این اصل، دیوان بین‌المللی کیفری مکمل محاکم ملی و نه جانشین محاکم ملی محسوب می‌شود. تنها تحت شرایطی مبادرت به اعمال صلاحیت خواهد نمود در کنفرانس بازنگری ۲۰۱۰ علاوه بر تفسیر مثبت اصل صلاحیت تکمیلی به معنای لزوم همکاری دولتها در کلیه اقدامات خود به منظور تقویت و توانمند سازی یکدیگر در انجام تحقیقات و تعقیبات و دادرسی‌های ملی، به موجب قطعنامه دیگری در خصوص اصل صلاحیت که در طول کنفرانس بازنگری و در قالب دستور کار^۲ تصویب گردید، مجددا پرداخت شد. (Schatte, 2009: 2 - 3)

- کنفرانس بازنگری اساسنامه دیوان ۲۰۱۰ همچنین به بحث در زمینه تاثیر اساسنامه رم بر قربانیان و جوامع متأثر یا آسیب دیده از جنایات بین‌المللی پرداخت (Chappell, 2015: 64, 80) در قطعنامه تصویبی کنفرانس، حق قربانیان به دسترسی برابر و مؤثر به دادگستری، حق دسترسی به حمایت‌ها و پشتیبانی‌های لازم، حق دسترسی به جبران خسارت فوری و مکفی در قبال خسارت‌های متحمل شده و حق دسترسی به اطلاعات لازم در خصوص مکانیزم‌های دادخواهی و نیز نحوه تضمین این حق قربانیان در موقعیت‌های پسا مخاصماتی به رسمیت

1 - Jurisdiction Complementary

2 - Stocktaking

شناخته شده و همه این موارد را از اجزای ضروری عدالت گستری کیفری می‌داند. مهمترین نکات قطعنامه مزبور شامل: - تشویق دولتها به رعایت مفاد حمایتی مربوط به قربانیان و شهود، - اتخاذ اقدامات تقنینی ملی، - برقراری یک گفتمان تعاملی با آنها به منظور ارتقا و بهینه سازی فرآیند برنامه ریزی استراتژیک دیوان، - ایفای نقش فعال و مشارکت مؤثر در ایجاد حساسیت و اطلاع رسانی منطبق با اساسنامه رم و - توجه خاص به قربانیان جرایم جنسی و کمک رسانی به آنها برای بازگشت به حیات اجتماعی خود (مبتنی بر رویکرد جدید ملل متحد توسط برنامه عمران ملل متحد و تلاشهای صندوق اعتبارات برای قربانیان) می‌باشد.

- در کنفرانس بازنگری ۲۰۱۰، شرکت کنندگان بار دیگر تأکید کردند؛ صلح و عدالت، مکمل هم هستند. دیوان بین‌المللی کیفری پارادایم "صلح علیه عدالت" را در عرصه حقوق بین‌الملل به پارادایم "صلح همگام با عدالت"^۱ تغییر داده است. در بلند مدت همگان بر این باورند که صلح و عدالت یکدیگر را تقویت می‌کنند. به شکلی که صلح عدالت را و عدالت استقرار صلح پایدار را تقویت می‌کند. علیرغم همه این شعارها، در دنیای واقعیت این اختلافات و چالش‌ها وجود دارد. زیرا در موقعیتهای پسمانخصماتی، اجرای عدالت و تعقیب مرتکبین جنایات، دستیابی به صلح را با چالش روبرو می‌کند. مقابله با بی کیفری و احقاق حقوق قربانیان، پیش شرط دستیابی به صلح پایدار است. (Kersten, 2016:19-35) و (Mendes, 2010:161)

- در خصوص همکاری دیوان با دولتها و یا برعکس، اگر چه از نظر حقوقی دولت‌های عضو، طبق اساسنامه متعهد به همکاری با دیوان در اموری از قبیل بازداشتها و استرداد متهمین، توقیف و ضبط دارائی‌ها و حمایت از قربانیان و شهود هستند، اما در واقع، تلاش دیوان برای جلب همکاری بازیگران بیرونی از جمله دولتها و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در رسیدن به موفقیت بسیار مهم است. (Bekou, Birkett, 2016, 80- 113)

۲-۲- اصلاحات ۲۰۱۷ (اجلاس نیویورک)

مطابق ماده ۱۲۱ اساسنامه دیوان و پیرو اصلاحات نا تمام انجام شده و توافق کشورها در کنفرانس ۲۰۱۰ مقرر گردید، به منظور بررسی مسایل باقی مانده و نیز پیشنهادهای جدید از سوی دولتها و یا دادستان، کنفرانس بازنگری در سال ۲۰۱۷ با شرکت دولت‌های عضو تشکیل گردد. اهم مسائلی که قرار بود در کنفرانس ۲۰۱۷ به آنها پرداخته شود، عبارتند از:

۱- به نتیجه رساندن مذاکرات در خصوص جنایت تجاوز؛ از جمله تصمیم نهایی در مورد اعمال صلاحیت و استقلال کامل دیوان در تشخیص و رسیدگی به جنایت تجاوز. با وجود پیشرفت‌های بسیار خوب کنفرانس کامپالا در زمینه تعریف این جرم و تعیین صلاحیت دیوان نسبت به آن، (Barriga & etal, 2009: 1-20) دولت‌های عضو دیوان برای استقلال کامل آن و عدم نظارت شورای امنیت، جهت انجام هر چه بهتر وظایف محوله و در نهایت برقراری صلح و عدالت در جامعه بین‌الملل عقیده داشتند. همچنین با ارائه تعریف مشخص از جرم تجاوز و مشخص کردن اشکال آن این پرسش مطرح می‌شود که آیا پذیرش قاعده منع محاکمه مجدد برای جرم واحد، موضوع ماده ۲۰ اساسنامه دیوان، نسبت به جنایت تجاوز نیز قابل اعمال است؟

در اجلاس شانزدهم مجمع دول عضو (ICC) ۴ (تا ۱۴ دسامبر ۲۰۱۷) فعال سازی صلاحیت دیوان در خصوص جنایت تجاوز منوط به دو شرط گردید. یکی تصویب اصلاحات و الحاقات نشست کامپالا از سوی ۳۰ دولت عضو و دیگری تعیین تاریخ شروع به اعمال صلاحیت دیوان. براساس قطعنامه ۱۴ دسامبر ۲۰۱۷ در اجلاس دول عضو، از تاریخ ۱۷ جولای ۲۰۱۸ (بیستمین سالگرد تصویب اساسنامه رم) در خصوص تجاوز، دیوان تنها نسبت به جرایم ارتكابی در قلمرو حاکمیت دولت‌هایی که الحاقات کامپالا را تصویب کنند یا توسط اتباع آنها، دارای صلاحیت است. تعداد این کشورها در حال حاضر ۳۵ کشور است. بدین ترتیب کشورهایی که به اعمال صلاحیت دیوان در مورد تجاوز رضایت نداشته باشند، مشمول اعمال صلاحیت دیوان نخواهند بود. ([http:// www.icicl.org](http://www.icicl.org))

۲- موضوع دیگر، تصمیم‌گیری در خصوص حذف و یا اصلاح ماده ۱۲۴ اساسنامه بود. با کوشش‌های کشور ژاپن این ماده همچنان در اساسنامه ابقا گردید. با توجه به خطرات احتمالی، امید می‌رفت کشورهای عضو با سعه صدر و به دور از منفعت طلبی‌های مغرضانه در کنفرانس ۲۰۱۷ در جهت اصلاح و یا حذف این ماده تمام تلاش خود را بکار گیرند. (Olásolo, 2005: 273)؛ (Herik & etal, 2012: 395)

۳- بازنگری مجدد مقررات ماده ۸ اساسنامه در خصوص گسترش حوزه صلاحیت و رسیدگی دیوان بین‌المللی کیفری در جرایم جنگی. سه عنوان پیشنهادی بلژیک در الحاق به مصادیق جرایم جنگی با توافق تمامی دولت‌های عضو پذیرفته شد. اما به نظر می‌رسد با دقت در مفاد

ماده مذکور هنوز مجال بررسی و افزایش احتمالی مصادیق جدید و تحقیق و تفحص در این خصوص وجود خواهد داشت که به کنفرانس ۲۰۱۷ موکول گردید.

در اجلاس شانزدهم مجمع دول عضو ICC با توسعه جنایات جنگی سه نوع سلاح به مجموعه تسلیحات ممنوعه افزوده شد که عبارتند از؛ ۱- تسلیحات با عامل میکروبی یا بیولوژیک، ۲- تسلیحاتی که آثار آن در بدن انسان با اشعه ایکس قابل تشخیص نیست، ۳- تسلیحات لیزری. استفاده از این سلاح‌ها در مخاصمات مسلحانه، مصداق جنایات جنگی است.

۴- یکی از مهمترین مباحث پیشنهادی دولت‌ها افزودن بر تعداد جنایات ماده ۵ اساسنامه بود. به طوری که جرایم جدیدی که بعد از تصویب کنفرانس رم بوجود آمده و یا حایز اهمیت جنایات بین‌المللی گردیده‌اند نیز در صلاحیت دیوان قرار گیرند. جرایمی از قبیل؛ قاچاق مواد مخدر یا داروهای روان گردان، تروریسم، قاچاق سلاح‌های سبک، ریختن ضایعات هسته‌ای در خاک کشورهای دیگر، مزدورگیری، پولشویی که در پیش نویس اساسنامه (جرایم ناشی از قرار داد)^۱ نامیده شده‌اند، (شیایزری، ۱۳۸۳: ۴۲۴-۴۳۰) در آن زمان توسط دولت‌های ماداگاسکار، کومور و نیجریه پیشنهاد گردید اما به دلایلی از جمله سیاسی بودن برخی از جرایم، افزایش حجم کار دیوان و یا اختصاص داشتن جرایم به مناطق خاصی، مورد توجه دیوان قرار نگرفت. با افزایش اهمیت برخی از این جرایم نسبت به گذشته مقرر گردید این موضوع مجدداً در کنفرانس ۲۰۱۷ مطرح و بررسی شود. در شانزدهمین مجمع دول عضو دیوان دسامبر ۲۰۱۷ شاهد افزایش عناوین جنایات مشمول صلاحیت دیوان موضوع ماده ۵ اساسنامه نبودیم.

در مجموع می‌توان ساز و کار موجود جهت بازنگری اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی را با توجه به ابتدای آن بر اصل رضایت‌مندی دولت‌های عضو، قابل دفاع دانست. ما با عنایت به پویایی حقوق بین‌المللی کیفری و لزوم پاسخگوئی به نیازهای جدید جامعه بین‌المللی، به نظر می‌رسد استفاده از ظرفیت‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد، با توجه به نقش بنیادین آن در حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی می‌تواند در امر بازنگری اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مطمع نظر قرار گیرد.

بدین توضیح که به ویژه در خصوص موارد و مسائل مستحدثه که شورای امنیت به اقتضای ماده ۱۵ اساسنامه دیوان، صلاحیت ارجاع وضعیت را دارد می‌تواند به بازنگری و اصلاح اساسنامه

1 - Contractual Crimes

دیوان بینجامد. بدین ترتیب با عنایت به عضویت تمام دولت‌های عضو ICC در سازمان ملل متحد و لزوم پای بندی آنها به منشور ملل متحد از سویی و جایگاه رفیع شورای امنیت در آن، می‌توان مواردی که شورای امنیت آنها را به دیوان ارجاع می‌دهد را موضوع بازنگری در اساسنامه ICC قلمداد کرد. بدین شکل در کنار تراضی دولت‌های عضو، مصوبه شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز قابلیت اصلاح و بازنگری در اساسنامه دیوان را خواهد داشت. بدیهی است این صلاحیت اضافی برای شورای امنیت باید در اساسنامه دیوان درج و به تصویب دول عضو برسد.

نتیجه گیری

تغییر و اصلاح قوانین با گذشت زمان و مطابق با مقتضیات موجود، می‌تواند باعث از بین رفتن ابهام‌ها و شفاف سازی و کارآمدی آنها شود. اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری مانند سایر اسناد بین‌المللی از این قاعده مستثنی نبوده، نیازمند بازنگری و اصلاح است. ساز و کار این بازنگری و اصلاح طی موادی ۱۲۱-۱۲۳ اساسنامه بیان گردیده است. متداولترین روش بازنگری در هر سند بین‌المللی که با تصویب تعدادی از کشورها بوجود آمده است، برگزاری کنفرانسی با حضور اعضا و بررسی پیشنهاداتی است که هر یک از دول عضو به مرور زمان و در برخورد با موضوعات و موارد پیش آمده، ارائه می‌کنند. در نهایت موارد پیشنهادی با تصویب و توافق اکثریت دولت‌های عضو لازم الاجرا می‌گردد. پس از گذشت ۷ سال از لازم الاجرا شدن اساسنامه دیوان، کنفرانس بازنگری کامپالا (۲۰۱۰) برگزار گردید. این اجلاس از جنبه‌هایی چون شرکت بسیاری از نمایندگان دولتها و سازمان‌های بین‌المللی و تلاش جامعه بین‌المللی در جهت رفع نقایص اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری بسیار ارزشمند است. در حقیقت با توجه به موارد پیشنهادی در این اجلاس اعم از اصلاح و یا تکمیل اساسنامه و تاکید بر صلاحیت تکمیلی آن و در عین حال تلاش برای حفظ استقلال دیوان به این موافقتنامه ارزش فراوانی داده است. اما باید گفت که نمی‌توان به طور کامل نشست کامپالا را کنفرانس بازنگری اساسنامه دیوان خواند. زیرا علیرغم برخی موضوعها از جمله تعریف جرم تجاوز و امکان شمول جرایم جدید در زمره جنایات قابل رسیدگی توسط دیوان که در این کنفرانس بعمل آمد، کماکان برخی محدودیت‌ها مانند تجویز اعمال صلاحیت دیوان نسبت به این جرایم به سال ۲۰۱۷ موکول گردید. همچنین اعمال فیلتر شورای امنیت ممکن است نگرانی‌هایی را در این مورد ایجاد کند. اما در زمینه‌های دیگر، کنفرانس ۲۰۱۰ قدمی بزرگ و موثر در خصوص اصلاح و تغییرات مورد نیاز برای ادامه راه دیوان و اتفاق و اجماع

حداکثری اعضا و پیشرفت چشمگیر روند تکامل دیوان بین‌المللی کیفری برداشت. اگر چه محاکم بین‌المللی از جمله دیوان کیفری بین‌المللی عمدتاً در اثر قصور و یا ضعف قوانین قضایی داخلی بوجود آمده‌اند، اما مسلماً هدف، جایگزین کردن آن برای محاکم داخلی نبوده است. اصل صلاحیت تکمیلی دیوان همچنان پررنگ است تا جایی که بسیاری از محاکم داخلی سعی در الگو برداری و انتقال قوانین جزایی دیوان در قوانین قضایی داخلی خود هستند. البته با توجه به اینکه مدت زیادی از اولین رسیدگی دیوان نمی‌گذرد، هنوز زمان بیشتری لازم است تا عملکرد این محکمه کیفری بین‌المللی را به به قضاوت و ارزیابی بنشینیم.

برای ترسیم یک آینده بهتر برای دیوان می‌بایست با افزایش استقبال و همکاری و کاهش مخالفت و رسیدگی‌های سیاسی و محافظه کارانه دولتها با دیوان بین‌المللی کیفری و نیز عملکرد عادلانه و بیطرفانه دادستان دیوان و استدلال‌های مناسب شعب آن و در نهایت پذیرش بهتر دیوان از سوی سایر نهادها و سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد و تشریک مساعی میان مثلث؛ دیوان، دولتها و سازمان‌های بین‌المللی شاهد آینده پرشکوه و موفق‌تری برای دیوان باشیم. هرچند ساز و کار موجود در اساسنامه دیوان برای اصلاح آن مبتنی بر رویه مسبوق به سابقه سایر سازمان‌های بین‌المللی و نیز اصل رضایتمندی دولت‌های عضو است اما نباید از توسعه ساز و کار اصلاح و بازنگری اساسنامه دیوان غافل ماند. با توجه به رویکرد اساسی دیوان مبنی بر اجرای عدالت کیفری نسبت به مرتکبین فجیع‌ترین جنایات مورد دغدغه جامعه جهانی و اینکه مطابق منشور ملل متحد که میثاق تمامی کشورهای عضو سازمان ملل متحد از جمله دول عضو دیوان است، شورای امنیت وظیفه حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد. از سوی دیگر همپوشانی این دو نهاد بین‌المللی، اقتضا دارد موارد جدید الحدوثی که شورای امنیت به عنوان جنایات بین‌المللی به دیوان توصیه می‌کند، فتح بابی برای بررسی بازنگری و اصلاح اساسنامه این محکمه کیفری بین‌المللی توسط مجمع دول عضو باشد. بدین ترتیب پیشنهاد می‌شود مصوبه شورای امنیت در خصوص بازنگری اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی بویژه در زمینه صلاحیت کیفری و نیز مصادیق جنایات مشمول صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی نیز بتواند در کنار تصویب پیس بینی شده در اساسنامه فعلی دیوان، توسط دولت‌های عضو، یکی دیگر از راهکارهای در اساسنامه دیوان محسوب گردد. بی تردید امکان بازنگری در اساسنامه دیوان، فرصت بسیار مناسب برای بالا بردن توان این مرجع کیفری بین‌المللی در دستیابی به اهداف پیش روی آنست.

منابع فارسی

کتاب

- بجزر نلوند، لیدیا (۱۳۸۳)، بنیان‌گذاری آمریکا و قانون اساسی آن، ترجمه مهدی حقیقت خواه، چاپ پنجم، تهران، انتشارات ققنوس
- تسون، فرناندو (۱۳۸۸)، فلسفه حقوق بین‌الملل، ترجمه محسن محبی، چاپ اول، تهران، نشر موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش
- حمیدیان، حسن (۱۳۸۹)، نظارت بر قانون‌گذاری در ایران و آمریکا، چاپ اول، تهران، انتشارات دادگستر
- راوندی، مرتضی (۱۳۵۷)، تفسیر قانون اساسی ایران، تهران، انتشارات مبشری
- شیایزری، کریانگ ساک کیتی (۱۳۸۳)، حقوق کیفری بین‌المللی، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت
- صفار، محمد جواد (۱۳۸۳)، حقوق اساسی آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (بعد از اصلاحات)، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۴)، حقوق بین‌المللی عمومی، چاپ ۲۴، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۵)، فلسفه حقوق جلد اول ماهیت و تعریف حقوق، چاپ دوم، تهران، انتشارات بهنشر
- وکیو، دل (۱۳۸۰)، فلسفه حقوق، ترجمه جواد واحدی، چاپ اول، تهران، نشر میزان

مقالات

- عباسی، بیژن (۱۳۸۶)، شیوه‌های بازنگری در قوانین اساسی، فصلنامه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق دانشگاه تهران، شماره ۳۷

پایان نامه

- پور علیخانی، سونیا (۱۳۹۲)، بررسی بازنگری اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در کنفرانس کامپالا (۳۱ می ۲۰۱۰)، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
- مومنی، مهدی (۱۳۹۳)، حقوق بین‌الملل کیفری، چاپ دوم، تهران، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش

English Resources

Books

- A.Sam Muller, D Raic , J.M. Thuranszhy(1997), **The International Court of Justice: Its Future Role After Fifty Years**, Leiden, Martinus Nijhoff Publishers
- Antonio Cassese, Editors Paola Gaeta et al(2013), **Cassese's International Criminal Law**, Oxford , Oxford University Press
- Aust,Anthony(2010),**Handbook of International Law**,Cambridge,Cambridge University Press
- Amr, Mohamed sameh m. (2003), **the role of the international court of justice as a principle judicial organ of the united nations**,Leiden, Martinus Nijhoff Publishers
- Bassiouni , M. Cherif (2013), **Introduction to International Criminal Law**, Leiden, Martinus Nijhoff Publishers
-(2002),**Introduction Au Droit Penal International**,Bruxelle, Bruylant
- Bosco,David(2014) , **Rough Justice: The International Criminal Court In A World Of Power Politics**,Oxford ,Oxford University Press
- Bedjaoui,Mohammed (1991),**International Law: Achievements and Prospects**, Leiden, Martinus Nijhoff Publishers
- Chappell, Louise (2015), **The Politics of Gender Justice at the International Criminal Court: Legacies and Legitimacy**,Oxford , Oxford University Press
- Dinstein,Yoram (2001),**War, Aggression and Self-Defence**,Cambridge , Cambridge University Press
- Eric Fawcett, Hanna Newcombe(1996),**United Nations Reform Looking Ahead After Fifty Years**, Toronto , Dundrun
- Fassbender,Bardo(2009),**The United Nations Charter as the Constitution of the International Community**, Leiden, BRILL
- Fausto Pocar, Pedrazzi Marco, Frulli Micaela(2013),**War Crimes and the Conduct of Hostilities: Challenges to Adjudication and Investigation** , Cheltenham , Edward Elgar Publishing
- Grzebyk,Patrycja(2013), **Criminal Responsibility for the Crime of Aggression**,Abingdon ,Routledge
- Gupta , Ed. K.R.(2006), **Reform of the United Nations**, Volume I , New Dehli, Atlantic Publishers & Dist
- Idris Kamil, Bartolo Meachel(2000), **A Better United Nations for the New Millennium: The United Nations System: How It Is Now and How It Should Be in the Future**,Berlin,Leiden,Martinus Nijhoff Publishers
- Horwitz, Morton J.(2009), **The Transformation of American Law**, 1780-1860, Cambridge , Massachusetts , United States , Harvard University Press
- Kolb, Robert(2017),**Peremptory International Law Jus Cogens A General Inventory** , London , Bloomsbury Publishing Plc

- Kelsen ,Hans(1950), **The Law of the United Nations; a Critical Analysis of Its Fundamental** ,Santa Barbara , preager
- Kittichaisaree, Kriangsak(2001) ,**International Criminal Law** , Oxford , Oxford University Press
- Kersten, Mark(2016) ,**Justice in Conflict: The Effects of the International Criminal Court's Interventions on Ending Wars and Building Peace** ,Oxford ,Oxford University Press
- Linda E Carter, Mark S. Ellis,Charles Chernor Jalloh(2016), **The International Criminal Court in an Effective Global Justice System** , Cheltenham , Edward Elgar Publishing
- Lee , Roy S. K.(1999), **The International Criminal Court: the making of the Rome Statute : issues, negotiations and results** , Leiden , Martinus Nijhoff Publishers
- Müller, Joachim M.(2001),**Reforming the United Nations: The Quiet Revolution** , Leiden , Martinus Nijhoff Publishers
- McDougall, Carrie(2013) , **The Crime of Aggression under the Rome Statute of the International Criminal Court**,Cambridge,Cambridge University Press
- Mendes, Errol(2010) ,**Peace and Justice at the International Criminal Court: A Court of Last Resort**, Cheltenham , Edward Elgar Publishing
- M. Cherif Bassiouni, William A. Schabas (2016),**The Legislative History of the International Criminal Court**, (volum I),Leiden, BRILL
- Novak, Andrew(2015) ,**The International Criminal Court:An Introduction** , Berlin, Springer
- Orakhelashvili, Alexander(2008), **Peremptory Norms In International Law** , Oxford , Oxford University Press
- Olásolo, Héctor(2005), **The Triggering Procedure of the International Criminal Court** , Leiden , Martinus Nijhoff Publishers
- Pelc, Krzysztof J.(2016), **Making and Bending International Rules: The Design of Exceptions and Escape Clauses in Trade Law**,Cambridge, Cambridge University Press
- Padmanabhan, Vijay(2010) , **From Rome to Kampala: The U.S. Approach to the 2010 International Criminal Court Review Conference**,newyork, Council on Foreign Relations
- Rodgers, Paul(2011) ,**United States Constitutional Law: An Introduction, north Carolina** , McFarland, Incorporated, Publishers
- Rosenne, Shabtai(2006), **The Law and Practice of the International Court,1-920-2005**, Volume I , Leiden , BRILL
- Rosenne, Shabtai(1979), **Documents on the International Court of Justice**, Leiden, BRILL

- Stefan Barriga, Kreß Claus(2012), **The Travaux Préparatoires of the Crime of Aggression**, Cambridge, Cambridge University Press
-, Wolfgang F., Christian Wenaweser (2009), **The Princeton Process On The Crime Of Aggression Materials Of The Special Working Group On The Crime Of Aggression**, New jersey, The Liechtenstein Institute On Self- Determination At Princeton University
- Susan M. Fitzmaurice, Elias Olufemi A., Merkouris Panos(2010), **Treaty Interpretation and the Vienna Convention on the Law of Treaties: 30 Years on** , Leiden, BRILL
- Schabas, William A.(2010) , **The International Criminal Court: A Commentary on the Rome Statute** , Oxford , Oxford University Press
- Schabas , William A.(2011) , **An Introduction to the International Criminal Court** , Cambridge , Cambridge University Press
- Singh , Nagendra(1989) , **The Role and Record of the International Court of Justice** , Leiden , Martinus Nijhoff Publishersp
- Schmitt , M.N., Louise Arimatsu, Tim McCormack(2011), **Yearbook of International Humanitarian Law- 2010** , Berlin , Springer .
- Schatte, Hannah(2009) , **Jurisdiction of the International Criminal Court and the Admissibility of Cases**, Munich , GRIN Verlag
- Schwartz , Bernard(1992), **The Great Rights Of Mankind : A History Of The American Bill Of Rights** , Lanham , maryland , Rowman & Littlefield Publishers
- Sayapin, Sergey(2014) , **The Crime of Aggression in International Criminal Law: Historical Development**, Comparative Analysis and Present State , Berlin, Springer
- van den Herik, Larissa , Carsten Stahn(2012), **The Diversification and Fragmentation of International Criminal Law** , Leiden , Martinus Nijhoff Publishers
- Zimmermann , Andreas et al(2006) , **The Statute of the International Court of Justice: A Commentary**, Oxford , Oxford University Press .

Articles

- Tabak, Shana(2009) , **Article 124, War Crimes, And The Development Of The Rome Statute**, Washington DC , Georgetown Journal Of International Law, 40

Sites

- **Wikipedia**, last modified Jan 26, 2019, **available at:** <http://fa.wikipedia.org/wiki/>
- **International criminal court**, last modified Jan 26, 2019 , **available at:** <http://www.icc-review-conference>